



# نگاهی به رویکرد جامع گرایانه‌ی قرآن حکیم در انتقال محتوای آموزشی و تربیتی

سید امیر رون

از دیرباز، هر پژوهشگری که از منظر گزینش و سازمان دهی محتوا - به ویژه محتوای آموزشی و تربیتی - به آیات قرآن نگر بسته، ارتباط، چینش و نحوه‌ی ارائه‌ی جذاب پیام‌های قرآن را در حد و وسع خویش درک کرده و با شور و شغف زایدالوصفی از اهمیت والای آن سخن گفته است. **امام فخر رازی** در مورد سوره‌ی بقره گفته است: «هر کس در لطایف نظم و بدایع ترتیب این سوره تأمل کند، خواهد دانست که قرآن همان طور که از جهت فصاحت الفاظ و شرافت معانی اش معجزه است، به سبب نظم و ترتیب آیاتش هم اعجاز دارد» [سیوطی، ۱۳۶۳].

از متأخرین نیز، استاد بزرگوار **علامه طباطبایی** بیان داشته است: «این که خداوند هر دسته از آیاتی را جدا از دسته‌ی دیگر قرار داده و نام سوره بر هر یک نهاده، شاهد بر این است که یک گونه انسجام و پیوستگی در هر مجموعه وجود دارد که در قسمتی از یک مجموعه و یا میان هر سوره و سوره‌ای دیگر، آن پیوستگی خاص وجود ندارد. از این درمی‌یابیم که اهداف و مقاصد مورد نظر در هر سوره با سوره‌های دیگر تفاوت دارد. هر سوره برای بیان هدف و مقصد خاص عرضه شده است که سوره جز با پایان یافتن آن هدف و رسیدن به آن مقصد، پایان نمی‌یابد» [طباطبایی، ۱۳۶۰، ج: ۱، ۱۴].

۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۵۴



دکتر **عبدالله محمود شمامه** که کتاب «اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم» را در راستای تبیین هدف هر سوره‌ی قرآن تألیف کرده است، ضمن پافشاری در اهمیت این روش در تفسیر قرآن، درباره‌ی ضرورت و ارزش آن خاطره‌ای از استاد خود، دکتر **محمد عبدالله دراز** نقل می‌کند و می‌گوید: «با دقتی که دانشمندان اسلامی امروزه انجام داده‌اند، به خوبی روشن گردیده که هر سوره دارای تنظیم خاص و از نظم و ترتیب ویژه‌ای برخوردار است و یک طرح و نقشه‌پردازی واقعی و تعیین‌کننده‌ی حدود و مرزها، برای هر سوره وجود دارد. به گونه‌ای که هر سوره از قرآن کریم، متشکل از دیباچه، موضوع و خاتمه می‌باشد» [شمامه، ۱۳۶۹: ۲۹].

از نظر **امام خمینی (ره)**، «بسم الله الرحمن الرحيم» در هر سوره با مطلب آن سوره تناسب دارد و به همین دلیل، در هر سوره معنای خاص آن سوره را داشته و تکراری نیست [موسوی الخمینی، ۱۳۷۰: ۵۴۷]. این سخن حکیمانه‌ی امام نشانگر آن است که ایشان به حاکمیت یک روح کلی بر هر سوره اذعان دارد و به گونه‌ای بر آن مهر تأیید می‌زند. آن چه تاکنون از قدما و متأخرین نقل شد، به خوبی اهمیت و جایگاه «نگرش جامع گرایانه» را در فهم مقاصد و پیام‌های قرآن آشکار می‌سازد. اما باید بر این مجموعه، فواید، کاربردها، و نتایج علمی و عملی بررسی روش‌های ارائه‌ی محتوای سوره‌ها و نحوه‌ی کاربرد آن در برنامه‌های آموزشی و درسی را نیز بیفزاییم تا اهمیت دوچندان این روش در عصر کنونی آشکار شود و زمینه‌ی استقبال عمومی از این سبک اشاعه‌ی آموزه‌های متعالی تربیتی فراهم آید. بر این اساس درمی‌یابیم، در به‌وجود آمدن یک اثر توانمند آموزشی، گزینش واژه‌ها و آهنگ کلمات و ترکیب آن‌ها نقش بسزایی دارد. اما بنیادی‌ترین اصل در این رابطه، ساختار نهایی محتوا و متن است که به واژه‌ها و جملات روح می‌دهد و به آنان نظم اعجاز‌گونه می‌بخشد. از این رو، با تکیه بر نظم موجود در سوره‌ها می‌توان با ترسیم ساختار هر سوره، ابتکار قرآن را در روش انتقال پیام‌های خود به فراگیران، از سه بعد تعلیمی و تربیتی، ادبی و هنری نشان داد و از آن در طرح معارف دینی و تدوین برنامه‌های آموزشی و درسی یاری گرفت.

## ۱. انتقال محتوای تعلیم و تربیت اسلامی در قرآن مجید

قرآن کریم، کتاب نور<sup>۱</sup> و هدایت<sup>۲</sup> است و در مسیر هدایت انسان‌ها، از مثال‌ها<sup>۳</sup>، داستان‌های آموزنده، و احکام راهنما و مواظب<sup>۴</sup> بهره می‌جوید. قرآن، با آموزش مستقیم و غیرمستقیم، انسان‌ها را به راه حق و سعادت حقیقی رهنمون می‌سازد و درک و بصیرت<sup>۵</sup> آن‌ها را نسبت به جهان هستی شکل می‌دهد. روش آموزش قرآن، همانند سایر وجوه آن، «اعجاز» است و بر اصل «مشارکت فعال مخاطب در فرایند یادگیری» بنا شده است. اصول نوین تعلیم و تربیت بر این نکته تأکید دارد که: «فراگیرنده تنها آن چه را می‌آموزد که در آموختن آن فعالانه شرکت داشته باشد». اگر فراگیرنده به فکر کردن، یافتن و کاوش کردن هم گام با فرایند یادگیری و ادار نشود، عملاً هیچ چیز نمی‌آموزد و اگر مطالبی به او منتقل شود تا آن‌ها را به ذهن بسپارد، خیلی زود آن‌ها را به فراموشی می‌سپارد. فعال شدن فکر و اندیشه و به کار افتادن قدرت تجزیه و تحلیل موجب می‌شود، فراگیرندگان به جای آن که

با تکیه بر نظم موجود  
در سوره‌ها می‌توان  
ابتکار قرآن را  
در تدوین  
برنامه‌های آموزشی  
و درسی یاری گرفت



ترسیم ساختار  
هندسی و نمودار  
محتوایی سوره‌ها  
می‌تواند  
پرده‌ای دیگر از  
اعجاز قرآن را در  
انتقال مفاهیم  
به فراگیرندگان  
برنامه‌های آموزشی  
و درسی  
به نمایش بگذارد

هم چون مورچگان از روی غریزه فقط به جمع‌آوری و انبار کردن حرف‌های دیگران بپردازند، همانند زنبور عسل، با انگیزه‌ی یادگیری و تلاش برای فهم، درک و تفکر در مفاهیم، عسل شیرین سعادت، رشد و کمال را به وجود آورند.

قرآن مجید با سبک و روش خاص که در انتخاب عبارات و سازمان‌دهی آیات برگزیده است نیز، خواننده‌ی خویش را به تفکر و تأمل برای درک معانی و مقاصد آیات وامی‌دارد و آنان را در فرایند یادگیری فعال می‌کند. در گزینش واژه‌ها، ظرافت‌ها و لطافت‌های خاصی را به کار می‌برد و از این طریق، نکته‌های بسیاری را در ذهن خواننده‌ی متفکر می‌پروراند. مثلاً در آیه‌ی شریفه «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» [بقره/۲۸۶]، با این که کسب و اكتساب هم خانواده هستند، اما از آن چه به نفع است، با «کسب» (ثلاثی مجرد) تعبیر کرده و آن چه را که به زیان است، با «اكتساب» (ثلاثی مزید) بیان داشته است. این تفاوت در تعبیر، خواه ناخواه خواننده را به تفکر وامی‌دارد که رمز تفاوت در چیست. و یا برای مثال، در قرآن «ظلمات» همیشه جمع آمده و «نور» همه جا مفرد استعمال شده است. این گونه نکته‌ها در گزینش جمع یا مفرد، تقدم و تأخر عبارات، پرهیز از به کار گرفتن واژه‌های به ظاهر مترادف به جای یکدیگر و ده‌ها شیوه‌ی دیگر، اعمال شده است. این جنبه‌ی اعجازی قرآن مورد توجه و عنایت بسیاری از قرآن‌پژوهان واقع شده و کتب و مقالات بسیاری در این باره نگاشته شده است.

روش دیگری که قرآن برای فعال کردن ذهن خواننده‌ی خویش برگزیده، در نحوه‌ی چینش آیات متجلی است. آیات هر سوره در نگاه اول پراکنده و بی‌ارتباط با هم به نظر می‌رسند، اما خواننده به تدریج با دقت در روابط آیات و کشف ارتباط بین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک سوره، به فهم و درک مفاهیم نایل می‌آید.

این روش یادگیری از جزء به کل، در روان‌شناسی امروزی، یادآور روش یادگیری «گشتالتی» است. یادگیری در این نظریه عبارت است از کشف روابط بین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک موقعیت کلی. بنابراین، عنصر اصلی یادگیری «بینش یافتن» و هدف آموزش، «ایجاد توانایی برای درک مفاهیم در فراگیرنده» است؛ تا بدین وسیله، قدرت سازمان‌دهی در امور و تفکر منطقی را کسب کند [شالچیان، ۱۳۷۳: ۱۷۷]. طرف‌داران این نظریه معتقدند، اجزا به تنهایی بی‌معنی و نامفهوم هستند و زمانی که در یک طرح یا زمینه قرار گیرند، معنی و مفهوم می‌یابند. مانند حروف «ب-ا-ر-ا-ن» که به تنهایی فاقد معنی هستند، ولی وقتی در قالب کلمه‌ی «باران» عرضه شدند، معنی دار می‌شوند. البته ممکن است برخی از اجزای به تنهایی نیز دارای معنای مستقلی باشند؛ مانند کلمات یک جمله. اما به‌طور کلی، ترکیب زمانی و مکانی اشیا و معانی، مجموعه‌ای را به وجود می‌آورد که مفردات فاقد آن کیفیت هستند. بر همین اساس آنان معتقدند که اگر در آموزش به جزئیات توجه شود، یادگیری به‌طور کامل حاصل نخواهد شد و اصولاً یادگیری، ناشی از نگرش کلی بر پدیده‌ها و ایجاد ارتباط بین اجزای پراکنده است [همان، ص ۱۸۵-۱۸۴].

ساختار هندسی سوره‌ها، با کشف روابط بین آیات و سازمان‌دهی آن‌ها در یک طرح کلی و نمودار محتوایی (مطابق نمودار ۱)، تحت اشراف یک غرض واحد، یکی از روش‌های بیانی قرآن را به نمایش می‌گذارد. این اسلوب با آخرین کشفیات و پژوهش‌های متخصصان تعلیم



و تربیت منطبق و چندین گام نیز از آنان جلوتر است. در این روش، فراگیرنده برای کشف روابط اجزای فعالیت و تکاپو می‌افتد و با مشارکت فعال در فرایند یادگیری، یافته‌های خویش را تعمیق می‌بخشد. بر این اساس به نظر می‌رسد که ترسیم ساختار هندسی و نمودار محتوایی سوره‌ها می‌تواند، پرده‌ای دیگر از چهره‌ی زیبای قرآن را به کناری زند و اعجاز قرآن را در شیوه‌ی آموزش و پرورش و انتقال مفاهیم به فراگیرندگان برنامه‌های آموزشی و درسی به‌نمایش بگذارد.

## ۲. انتقال محتوای ادبی و هنر اسلامی در قرآن کریم

انواع قالب‌های ادیباتی نوین از قبیل رمان، فیلم‌نامه و... بعد از پشت سر نهادن دوره‌هایی از تحول و پیشرفت، به تکنیک ساخت انواع داستان‌ها و سبک‌ها بر اساس یک ساختار هندسی خاص دست یافته‌اند؛ ساختاری که طی آن، به موضوعات متفاوتی که هیچ رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، پرداخته می‌شود. این موضوعات «متباین» در راستا و محدوده‌ی یک فکر یا اندیشه با یکدیگر مرتبط می‌شوند. در پیشبرد ساخت ادبیات داستانی امروزی، نظریه‌های نوین مانند «تداعی ذهنی»، «ادراک جزء به کل» و فرایندهای روانی دیگر، نقش بسزایی دارند؛ به طوری که با بهره‌گیری از شیوه‌های یاد شده، به موضوعات متفاوت و بی‌ارتباط با یکدیگر می‌پردازند و سپس مجموعه‌ی این موضوعات را در پرتو یک هدف فکری با یکدیگر متحد می‌کنند [بستانی، ۱۳۷۱: ۱۴۹-۱۴۸]. هدف نگارنده از این اشاره‌ی گذرا به تکنیک ادبیات معاصر، توجه دادن به ارزش‌های ادبی سوره‌های قرآن کریم از نظر تنوع موضوعات هر سوره و ایجاد پیوند و هم‌سویی بین این موضوعات به وسیله‌ی یک محور فکری واحد است. خواننده‌ی عمیق و هوشیار می‌آموزد که قرآن چگونه با استفاده از کارآمدترین و هنری‌ترین تکنیک‌های ادبی، با خواننده‌ی خود ارتباط برقرار می‌کند و سخن خود را بر جان و دل او می‌نشانند. این سبک بدیع در شرایطی در قرآن به کار رفته است که در آن زمان‌ها از چنین نظریه‌هایی خبری نبود و حتی در دوران شکوفایی علمی و هنری بشر امروزی نیز، همه کس توانایی به‌کارگیری آن را در کارهای ادبی و هنری خویش ندارد.

از جمله حوزه‌های ادبی و هنر الهی در قرآن کریم، حوزه‌ی «داستان‌های قرآنی» است که به وسیله‌ی آن، بخشی از تاریخ پیامبران و وقایع پیشینیان در آیات متعدد قرآن نقل شده است. ارزش قصص قرآن، در هدف‌های والا و روش‌های تربیتی آن هاست. داستان‌های قرآنی حوادث به هم پیوسته‌ای هستند که طرز بیان و نتایج آن‌ها، گوش آدمی را به شنیدن وامی‌دارند. آن‌جا که با اخبار عبرت‌آموز گذشتگان در داستان‌های قرآن روبه‌رو می‌شویم، اشتیاق برای آگاهی و معرفت، قوی‌ترین عامل است که سبب می‌شود، آن‌پند و اندرزها در دل آدمیان بنشینند. پند و اندرزهای شگفت قرآن مجید، دارای جاذبه‌های بسیار هستند که عقل و خرد آدمی نمی‌تواند همه را جمع کند و گوش حقیقت‌نیوش، همه را بگیرد. اما تصاویری که از وقایع زندگی می‌دهند، آن‌چنان حوادث را با آرمان‌های والا به وضوح عرضه می‌دارند که آدمی به شنیدن آن قصه‌ها و داستان‌ها دل می‌بندد. به مضامین آن‌ها با شوق و علاقه گوش فرا می‌دهد و از پند و اندرزها و موعظه‌های بهره

ارزش قصص قرآن  
در هدف‌های والا  
و روش‌های تربیتی  
آن‌هاست

۲۱۹۱۹۱

زمستان ۱۳۸۶

۵۷



می‌گیرد. امروزه، قصه و ادبیات داستانی، قالب خاصی از هنرهای زبان و ادبیات در سطح جهان به شمار می‌آید. در این میان، قصه‌های قرآنی با بهره‌گیری از قوی‌ترین تمثیل‌های زبان عربی نقل شده‌اند. این زبان به خوبی و به‌رسانترین صورت، قصه‌های قرآن کریم را بیان کرده است. قرآن مجید، با تکیه بر نظم، فصاحت، بلاغت، صنعت ایجاز، و ویژگی‌های ادبیاتی و زبانی منحصر به فردش، در واقع از اعجاز خود در حوزه‌ی ادب و هنر ناب و متعالی اسلام، پاس‌داری کرده است.

### ۳. انتقال محتوای معارف اسلامی در قرآن متین

یکی از دغدغه‌های همیشگی مؤلفان معارف اسلامی، یافتن روش‌های کارآمد و مؤثر برای ارائه‌ی محتوای آموزشی معارف دینی است. روش موفق، باید ضمن اتمام مبانی، از امتیاز آسانی و سهولت در انتقال مباحث نیز برخوردار باشد و با لحاظ نمودن تفاوت‌های فردی مخاطبان، از قالب‌ها و سبک‌های متفاوت یاددهی و یادگیری، هم‌چون استدلال، قصه‌گویی، تمثیل، اسناد تاریخی، طرح سؤال و... برای برنامه‌های آموزشی بهره‌جوید. از سوی دیگر، برنامه‌های آموزشی نه تنها بر افکار، بلکه باید بر گفتار و کردار فراگیرنده نیز تأثیر بگذارند و راهنمای او در زندگی فردی و اجتماعی باشند. این مقصود در صورتی حاصل می‌آید که در فرایند برنامه‌ریزی، به اصول و فنون یاددهی و یادگیری توجه شود و در تنظیم محتوای برنامه‌های آموزش دینی، بر معلومات ذهنی و فطریات انسانی فراگیرنده تکیه گردد. مراکز که عهده‌دار تهیه و تنظیم برنامه‌ها و متون درسی و آموزشی کشور هستند، تاکنون روش‌های متفاوتی را در تدوین کتاب

قرآن کتاب  
تعلیم و تربیت است  
اما متأسفانه تاکنون  
به ندرت از زاویه‌ی  
«اصول و سبک‌های  
یاددهی و یادگیری»  
مورد عنایت  
و بررسی قرار گرفته  
است



آزموده‌اند. متون درسی معارف اسلامی نیز عموماً بر اساس روش کلامی و فلسفی تنظیم شده‌اند، و با آن که بی‌اثر بودن این روش برای همگان روشن است، اما به دلیل فقدان جای‌گزینی مناسب، هنوز هم بیشتر آثار همین شیوه را ادامه می‌دهند.

قرآن کتاب تعلیم و تربیت است و از طریق آموزش به انسان‌سازی می‌پردازد. اما متأسفانه تاکنون این کتاب آسمانی به‌ندرت از زاویه‌ی «اصول و سبک‌های یاددهی و یادگیری» مورد عنایت و بررسی قرار گرفته است. بررسی سوره‌های قرآن براساس ساختار هندسی، راه بررسی شیوه‌ی تعلیمی قرآن را هموار می‌سازد و فنون تدوین برنامه‌های آموزشی متقن و کارآمدی را برای یاددهی معارف دینی در اختیار پژوهشگران و مدرسان قرار می‌دهد. از آن‌جا که در بررسی موضوعی سوره‌ها، برای هر سوره یک غرض و محور اصلی تعیین می‌شود، می‌توان برای ترسیم روش قرآن در موضوعات متفاوت، به سوره‌های مربوطه مراجعه کرد و سرفصل‌های هر مبحث و طریق ورود و خروج به مباحث را استخراج و آن‌ها را به صورت محتوای آموزشی تنظیم کرد.

مثلاً اگر بخواهیم برای مبحث «ربوبیت الهی» محتوای آموزشی بنویسیم، به سوره‌ی «الملک» مراجعه می‌کنیم. در این سوره برای آن که مفهوم روشنی از ربوبیت الهی در ذهن خواننده ایجاد شود و مخاطب به گستره‌ی ربوبیت الهی در سرتاسر گیتی پی‌برد، از روش بسیار جالبی استفاده شده است. به این معنی که با طرح سؤال‌های مکرر درباره‌ی نعمت‌های پراکنده در اطراف انسان‌ها، در سه محور اصلی به طرح ربوبیت الهی پرداخته است که عبارت‌اند از:

**محور اول:** مفهوم ربوبیت و دلایل آن؛

**محور دوم:** تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت اخروی انسان‌ها؛

**محور سوم:** نشانه‌های ربوبیت الهی.

سوره‌ی الملک طی این سه محور، با اشاره به موانع روحی و فکری فهم ربوبیت الهی، به تحلیل و بررسی آن‌ها می‌پردازد، شبهات را پاسخ می‌دهد، دلایل را محکم می‌کند، و با درنظر گرفتن جوانب بحث و فزاینده‌ها و فرودهای حساب‌شده، تمام محاسبات مخالفان را در هم می‌ریزد و بدین ترتیب، بنیان راسخ ربوبیت الهی را در اندیشه‌ی مخاطب بنا می‌گذارد.

این سوره به سبک بسیار زیبایی با محور قرار دادن حالات، سؤال‌ات و چالش‌های وجود انسان‌ها، به بررسی موضوع «ربوبیت الهی» می‌پردازد. مثلاً در بحث «دلایل ربوبیت الهی»، به خالقیت خداوند اشاره می‌کند و او را خالق مرگ و زندگی می‌داند که همه‌ی هستی را خلق کرده و هفت آسمان را بنا نهاده است. سپس بی‌درنگ به شبهه‌ای که در ذهن خواننده خلجان می‌کند و او را به سؤال از هدف هستی و نظم می‌کشاند، پاسخ می‌دهد. در آیات ۲ تا ۵ این سوره، حکیمانه بودن و بی‌عیب بودن خلقت را ترسیم می‌کند و در انتها نیز، با تمثیلی هنرمندانه می‌گوید: *البتة شیاطین (از جنس جن و انس) از درک اسرار آفرینش، زیبایی و نظم آن عاجزند و به علت خبث باطنی، به جای آن که جذب زیبایی جهان شوند، به دفع آن می‌پردازند: «و لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ»*. و به این ترتیب به سؤال دیگری که ممکن است به ذهن‌ها خطور کند، یعنی: «با این دلایل روشن، چرا برخی از انسان‌ها به حکمت الهی و ربوبیت تامه‌ی او اعتقاد ندارند؟!» پاسخ می‌دهد.

اگر به نمودار ۲ مربوط به سوره‌ی «الملک» مراجعه نمایید، ملاحظه می‌کنید که قرآن کریم

## کتاب‌های

### درسی دینی ما

### به جای تکیه بر بحث

### «ربوبیت الهی»

### که مشکل اعتقادی

### جوانان است

### بیشتر

### به اثبات وجود خدا

### که امری بدیهی است،

### می‌پردازند



## قرآن در هدف گذاری انسان را محور پیام خود قرار داده است

برای اثبات «ربوبیت تامه‌ی الهی» چگونه به موضوعات به ظاهر پراکنده‌ای هم چون عذاب منکران، آرامش زمین، پرواز پرندگان، خلقت انسان، سنت‌های الهی و روزی رسانی خدا توجه کرده است. آن‌ها را در زنجیره‌ای به هم پیوسته و متقن، در کنار یکدیگر جمع آورده است و با تحلیل روان‌شناختی و انسان‌شناسانه، ناتوانایی معبودهای خیالی را که جای رب‌العالمین را در ذهن و روح انسان گرفته‌اند، آشکار می‌سازد. سرانجام هم با رعایت همه‌ی جوانب، ربوبیت تامه و بی‌رقیب الهی را در همه‌ی ابعاد زندگی دنیوی و اخروی به نمایش می‌گذارد.

اکنون می‌توانید، این «طرح و برنامه آموزشی» را با روش‌های جاری در «طرح ربوبیت الهی» و یا در تبیین دیگر صفات الهی در کتاب‌های درسی مقایسه کنید تا ببینید، تفاوت از کجا تا کجاست. بگذریم از این که کتاب‌های درسی دینی ما به جای تکیه بر بحث «ربوبیت الهی» که مشکل اعتقادی جوانان است، بیشتر به اثبات وجود خدا که امری بدیهی است، می‌پردازند و در طرح مباحث دینی به سبک کلامی و فلسفی، بیش از روش قرآنی، ارزش و بهای می‌دهند.

### جمع بندی

۱. قرآن کریم در بعضی از آیات به توصیف خود پرداخته و ویژگی‌های خود را بیان داشته است. این خصوصیات از دیدگاه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی قابل توجه هستند. زیرا وقتی محتوایی از جانب پروردگار برای هدایت انسان نازل شده است، برای تربیت بشر در تمام عمر برنامه دارد، و خود نیز دارا بودن چنین خصوصیتی را مطرح می‌کند، برای رهروان مکتب شکی باقی نمی‌ماند که در تولید برنامه‌های آموزشی باید این محتوا و ویژگی‌هایش را چراغ راه حال و آینده قرار دهند؛ ویژگی‌هایی مانند: هدایت‌کنندگی، شفا و رحمت بودن، دعوت به تفکر، بیان هر آن‌چه که برای تربیت و تکامل لازم است، انذار و تبشیر، و...

۲. قرآن مجید، حاوی بهترین محتوای برنامه‌های آموزشی و درسی است که خود، هدف‌های تربیتی قابل حصول را مشخص، و روش‌های تحقق آن‌ها را، مبتنی بر اصل مشارکت فعال فکر و اندیشه‌ی منطقی و به کار افتادن قدرت تجزیه و تحلیل مخاطب در فرایند یادگیری، پیشنهاد کرده است. به علاوه، برای این که مخاطب را به تأمل برای درک معانی و مقاصد کلی محتوا ترغیب کند، نمونه‌هایی از ارزش‌یابی الگوها و تربیت‌شدگان مکتب‌های الهی را معرفی کرده است. از مجموع روش‌های تربیتی ارائه شده در قرآن، می‌توان به روش تربیتی مستقیم



سخن رانی، موعظه، انذار و هشدار، فراخوان، پرسش و پاسخ، مباحثه و مجادله، و... و غیر مستقیم (مشاهده، نمایش، داستان سرایی، خطابه‌های غیر مستقیم، استدلال و منطق متین، تشویق و ترغیب، مناظره، مقایسه، ارائه‌ی الگو، تمثیل و...) به سبب جامعیت نسبی آن‌ها در حیطة‌ی تعلیم و تربیت، اشاره کرد.

۳. هر محتوای مناسب برای برنامه‌های آموزشی و درسی، به منظور برخوردار بودن از حاکمیت یک روح کلی معنایی و نگرش جامع‌گرایانه‌ی متعالی، باید از طرحی کلی، نمودار محتوایی، ساختار هندسی، و نقشه‌پردازی واقعی و تعیین‌کننده‌ی حدود و مرزهای معنایی محتوا، تشکیل شده باشد؛ به گونه‌ای که متشکل از دیباچه، موضوع و خاتمه باشد تا آن پیام، مخاطب را به هدف شناختی، نگرشی و رفتاری متعالی موردنظر و از پیش تعیین شده برساند. از آن‌جا که در بررسی موضوعی سوره‌های قرآن متین، برای هر سوره یک غرض و محور اصلی تعیین می‌شود، می‌توان برای ترسیم روش قرآن در طرح معارف و موضوعات گوناگون برنامه‌های آموزشی و درسی، سوره‌های مربوطه را یافت و سرفصل‌های هر مبحث و طریق ورود و خروج به مباحث را استخراج و آن را به صورت محتوای آموزشی و درسی تنظیم و ارائه کرد.

۴. قرآن محکم، بارها و بارها ما را به کشف اهداف متوجه می‌سازد؛ ما را به سیر در خود، اطراف خود، و نعمت‌ها رجوع می‌دهد. سپس نتیجه را به ما وامی‌گذارد و کشف نتیجه متناسب با این رجوع، یعنی تربیت اسلامی. با کمی ملاحظه می‌بینیم که قرآن در هدف‌گذاری، انسان را محور پیام خود قرار داده است. به عبارت دیگر، پیام برای انسان است، نه انسان برای پیام. این خود نکته‌ای است ظریف که در تربیت دینی: «موضوع مورد توجه و تأکید، انسان است، نه روش و برنامه. یعنی انسان است که در ارتباط با پیام، روش و برنامه‌ی آموزشی مناسبی برای وصول به هدف اکتشافی اتخاذ می‌کند.

پس برنامه‌ی آموزشی متأثر از قرآن کریم، اهدافی «درون‌انسانی» دارد که بذر آن الهی است و با روش الهی در فرایند تفکر کشف می‌شود. اهداف برنامه‌ی آموزش دینی، ماهیتی فزاینده دارند که تا مرتب‌تری توان رفتن دارد، این اهداف هم برای او تمامی ندارند. مادام که فرد با نظام برنامه‌ی آموزشی مذکور در تعامل است، کشف اهداف ادامه دارد. این کشف خود فزاینده‌ی پویا و در حال تغییر است و نمی‌توان برای آن چارچوب از پیش تعیین شده‌ای به صورت مکانیکی و ایستا تعیین کرد. به عبارت دیگر، چگونه یاد گرفتن مفاهیم اسلامی برنامه‌های آموزشی، مهم‌تر از چه قدر یاد گرفتن آن‌ها، و رغبت عاطفی به ارزش‌های دینی، مهم‌تر از تراکم ذهنی اطلاعات دینی است.

۵. محتوای برنامه‌های آموزشی می‌تواند با الهام و الگو گرفتن از قرآن، اثری شیوا (فصاحت) و رسا (بلاغت) باشد که هم عنصرهای متن‌ساز آن (واژه، اصطلاح و...) از عیب‌هایی چون تنافر حروف (ناسازگاری آوایی)، غرابت استعمال (کاربرد واژه‌ها و اصطلاح‌های دور از ذهن) و مخالفت قیاس صرفی (ناپهنجاری) خالی باشد، هم جمله‌ها و عبارت‌های آن از ضعف تألیف و تعقیدهای لفظی و معنوی پیراسته باشد، و هم با ویژگی‌های زبانی، ذهنی و نفسانی، سطح دانش و درک مخاطبان تناسب داشته باشد.

۶. یکی از ویژگی‌های قرآن مجید، گیرایی و دل‌انگیزی آن است. در نتیجه می‌توان با تدبر و بررسی‌های دقیق و موشکافانه در محتوای قرآن، از عنصرهای تازه‌ی موضوع، زبان، سبک،

## برنامه‌ی آموزشی متأثر از قرآن کریم اهدافی «درون‌انسانی» دارد

۲۱۹۱۹

زمستان ۱۳۸۶

۶۱





طرح، ساخت و پرداخت درونمایه، و قالب مناسب را با تکیه بر کارکردهای ویژه‌ی هر یک از آن‌ها، به‌عنوان الگو و سرمشق در تولید انواع آفرینش‌های ادبی و هنری، به‌عنوان عامل‌هایی فراگیر برای پیام‌رسانی گیرا و دل‌انگیز، در برنامه‌های درسی استفاده کرد.

۷. یکی از مؤثرترین شیوه‌های آموزش و پرورش، آوردن تمثیل یا تصویر آفرینی است که قرآن مجید از این شیوه سرشار است. در این نوع آفرینش هنری، هم مباحث «علم معانی» می‌گنجد، و هم موضوعات «علم بیان»، مانند تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. تمثیل زیباترین موضوع علم بدیع به‌شمار می‌رود و قرآن حکیم سرشار از چنین هنرنمایی شگفت‌انگیز است. زندگی انسان، حرکت جهان، سیر تاریخ، شیوه‌ی برخورد انسان‌ها با یکدیگر، روابط اجتماعی، طرز تفکر و تعقل، و حتی درون جهان غیب و منازل پس از مرگ و مشاهد قیامت و جایگاه‌های افراد در بهشت و دوزخ را، چنان زنده و با روح به تصویر می‌کشد که خواننده خود را در آن صحنه و در آن میدان احساس می‌کند، و جریان‌ها را به‌طور زنده به چشم می‌نگرد؛ نه آن‌که از گذشته چیزی مبهم بخواند و سایه‌ای کمرنگ ببیند. هر یک از این تمثیل‌ها و یا تصویر آفرینی‌ها، از چند تابلوی نقاشی متحرک و جان‌دار، و از حقیقتی برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها تشکیل شده است که خواننده را به تربیتی منظم و منطقی، به دنبال خود سیر می‌دهند و به جهانی دیگر می‌برند.

پدیدآوردگان محتواهای برنامه‌های آموزشی می‌توانند، از این گونه‌الگوها و نمونه‌های قرآنی در تولید آثار خود استفاده کنند.

۸. انسانی که قرآن کریم معرفی می‌کند، «بود» الهی، «نمود» مادی و استعداد خداگونی دارد. دنیا جولانگاه زندگی گذرای او و آخرت سرای زندگی پایدار اوست. آرمان دنیایی او، جانشینی خدا، و رسالت او، بندگی خدا، دادگری، آباد کردن زمین و توشه برگرفتن برای آخرت خویش است. آرمان اخروی او نیز، دستیابی به مقام قرب الهی است (که دستاورد به کار بستن دستورها و سفارش‌های او در زندگی محسوب می‌شود). پس راه آخرت، از دنیا می‌گذرد. بنابراین، آشنایی پدیدآوردگان محتوای برنامه‌های آموزشی گروه‌های گوناگون سنی با اصول و مبانی آموزش و پرورش اسلام و قرآن، راهنمای آفرینش‌آثاری ارزشی و آرمان‌گرایانه است؛ آثاری که می‌توانند ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های راستین مکتبی را در فضایی عاطفی، هنری، و درخور توانایی‌ها و شرایط گروه‌های سنی، شناسایی و به رفتار متناسب با رهنمودها و سیره‌ی پیامبر اعظم (ص) تبدیل کنند.

**یکی از مؤثرترین  
شیوه‌های  
آموزش و پرورش  
آوردن تمثیل  
یا تصویر آفرینی است  
که قرآن مجید  
از این شیوه سرشار  
است**

۲۱۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۶

۶۲



\* هدف اصلی مشرکان از تهمت جنون آن است که تو را به سازش بکشانند، اما تو هرگز از آنان پیروی نکن.

\* علت مخالفت با آیات الهی (غرور به خاطر مال و قدرت)

۱. تاکید بر حقانیت پیامبر
۲. نبوت پیامبر
۳. اخلاق پیامبر
۴. گواهی تاریخ
۵. صلاحیت نداشتن کفار برای تشخیص جنون و گمراهی

۱. بسیار قسم می خورند (حلاف)
۲. حقیر و پست یا دروغ گو و سرور (مهین)
۳. عیب جو و غیبت کننده (همار)
۴. سخن چینی بین مردم (مشاء بنمیم)
۵. مانع کار خیر و نیک (مناع للخیر)

۱. ذلت در دنیا و نرسیدن به خواسته های دنیوی همانند صاحبان باغ
۲. عذاب شدید در آخرت

- \* ابعاد عذاب
- \* حتمی بودن عذاب
- (دلایل عدم تساوی مسلمان و مجرم)

۱. فقدان دلیل عقلی
۲. فقدان دلیل نقلی
۳. نبود تهجد و پیمانی از سوی خداوند
۴. ناتوانی آنان در جلوگیری از عذاب
۵. ناتوانی خدایان \* در مقابله با کید الهی و عذاب استدراج
۶. منشأ این اعتقاد، بهانه جویی است نه استدلال
۷. ناتوانی مجرمین از تغییر حکم و سنت الهی

## سوره ی قلم

فصل اول:  
دلایل نفی اتهام جنون از پیامبر

فصل دوم:  
خصوصیات اخلاقی و  
شخصیتی تهمت زندگان

## ناکامی تهمت زندگان به پیامبر

فصل سوم:  
عاقبت شوم تهمت زندگان مشرک

فصل چهارم:  
وظیفه ی پیامبر در برابر تهمت زندگان

۱. سازش نکردن
۲. صبر کردن و نفرین نکردن (برخلاف حضرت یونس)

نتیجه گیری: تهمت جنون، نشانه ی اوج درماندگی مشرکان است.



<p>سوره‌ی الملک</p> <p>فصل اول: مفهوم ربوبیت و دلایل آن</p>	<p>دلیل اول: پادشاهی و قدرت نامحدود الهی دلیل دوم: اداره‌ی زندگی انسان هنگام مرگ و حیات دلیل سوم: نظم و اتقان خلقت همه‌ی جهان هستی</p> <p>۱. مفهوم گسترده‌ی ربوبیت الهی ۲. دلایل ربوبیت ۳. زیبایی ستارگان آسمان، پاسخ‌گوی خدشه‌کنندگان در ربوبیت الهی</p>
<p>اثبات گسترده‌ی ربوبیت و تدبیر الهی</p> <p>فصل دوم: تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت انسان‌ها</p>	<p>۱. سرانجام منکران ربوبیت الهی ۲. سرانجام معقدان ربوبیت الهی ۳. پاسخ به یک سؤال (چگونه خداوند انسان‌ها را بر اساس اعتقاد ایشان جزا می‌دهد؟)</p> <p>۱. آرامش زمین و بهره‌مندی انسان از آن ۲. پرواز پرندگان در آسمان</p>
<p>فصل سوم: نشانه‌های ربوبیت الهی در گستره‌ی هستی</p>	<p>۱. ناتوانی مددکاران خیالی ۲. آرامش زمین و بهره‌مندی انسان از آن ۳. پرواز پرندگان در آسمان ۴. یک مثال زیبا درباره‌ی کسانی که به غیر خدا دل می‌بندند. ۵. آفرینش انسان از عدم و مجهز کردن او به حواس و عقل ۶. تدبیر همه‌ی مراحل زندگی انسان یا فواین و برنامه‌ی الهی ۷. یکسان نبودن سرانجام منکران و معقدان به ربوبیت الهی ۸. نعمت آب جاری روی زمین</p> <p>۱. در یاری رساندن به انسان ۲. در رزق رساندن به انسان</p>

نمودار ۲. ساختار تحلیلی سوره‌ی مبارکه‌ی «الملک»



## زیرنویس

۱. «أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» [نساء/۱۷۴].
۲. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» [بقره/۲].
۳. «لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» [الاسراء/۸۹].
۴. «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» [آل عمران/۱۲۸].
۵. «هَذَا بَصَاطِرٌ لِّلنَّاسِ» [جاثیه/۲۰].

## منابع

۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. الاتقان فی علوم القرآن. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۳ (برگرفته از سایت تبیان).
۲. طباطبائی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱). دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۶۰.
۳. شحاته، عبدالله محمد. درامدی بر تحقیق در اهداف مقاصد سوره‌های قرآن کریم. ترجمه‌ی سیدمحمدباقر حجتی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۹.
۴. موسوی خمینی، روح‌الله. چهل حدیث. مؤسسه‌ی نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره). ۱۳۷۰.
۵. شالچیان، طاهره. آشنایی با اصول روان‌شناسی. دفتر تحقیقات و انتشارات بدر. ۱۳۷۳.
۶. بستانی، محمود و صابری، حسین. اسلام و هنر. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس. ۱۳۷۱.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. قرآن ناطق. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۳.
۸. ثقفی، منوچهر. «تناسب آیات و سوره‌های قرآن». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. ۱۳۷۴.
۹. حجتی، دکتر سیدمحمدباقر. پژوهش در تاریخ قرآن کریم. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۷۶.
۱۰. حلیمی جلودار، حبیب‌الله. «پژوهشی در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گرایش علوم قرآن و حدیث. دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۴.
۱۱. صالحی کرمانی، محمدرضا. درامدی بر علوم قرآنی. جهاد دانشگاهی تهران. ۱۳۶۹.
۱۲. عرفان، حسن. پژوهشی در شیوه‌های اعجاز قرآن. دارالقرآن الکریم. ۱۳۶۹.
۱۳. فقهی‌زاده، عبدالهادی. پژوهشی در نظم قرآن. جهاد دانشگاهی. تهران. ۱۳۷۴.
۱۴. باقری، خسرو. تربیت اسلامی ویژه‌ی تربیت دینی. مرکز مطالعات تربیت اسلامی. ۱۳۷۸.